



آینه



🌀 هجدهمین جشنواره بین المللی تئاتر کودک و نوجوان - همدان
 🌀 شماره‌ی دو / ۱۷ آبان ماه ۱۳۹۰



هنر دینی آن است که بتواند معارفی را که همه ادیان - و بیش از همه، دین مبین اسلام - به نشر آن در بین انسان ها همت گماشته اند و جان های پاکی در راه نشر این حقایق نثار شده است، نشر بدهد، جاودانه کند و در ذهن ها ماندگار سازد.



پیام معاونت هنری وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به هجدهمین جشنواره ی بین المللی تئاتر کودک و نوجوان

هنر بین اقشار جامعه (این ولی نعمتان مسئولان جمهوری اسلامی) هر چه بیشتر گسترده شود، تئاتر کودک و نوجوان، در این میان بسیار مهم و ارزنده تلقی می شود.

چرا که مخاطبان آن، زنان و مردان آینده ساز ایران اسلامی هستند. کسانی که امروز باید بیاموزند که در آینده ای نه چندان دور، چگونه رهروان بی انحراف خط امام (ره) و شهیدان والا مقام انقلاب منحصر به فرد اسلامی - ایران، باشند. همانان که پرچم این نهضت به زودی به آنان سپرده می شود. اینان باید از هم اکنون شاد زیستن و تن به ستم نسپردن و مستقل بودن را بیاموزند و این به دست نمی آید مگر آن که با باور قلبی به رسالت خود، آنان را به این راه آبادانی، رهنمون می سازد. اینجانب درود خود را بدرقه ی راه هنرمندان شرکت کننده در هجدهمین جشنواره ی بین المللی تئاتر کودک و نوجوان می کنم، به امید این که این عزیزان به مقامی که در آن قرار گرفته اند، به خوبی واقف باشند و برای اجراهای موفق، پرتلاش گام بردارند؛ انشا الله.

نمایشی را بر صحنه می برد، باید که از این مخاطب، در مسیری که بدان معتقد است و پیش می رود، جا نماند. چرا که تئاتر محتاج تماشاگر است. نفس تماشاگر چون بادی است که باید به بادبان نمایش بوزد تا کشتی معرفت آن به حرکت در آید.

تنها با تاثیر بر تماشاگر و الهام متقابل از آرمان های مردم و باورهای ژرف دینی آن هاست، که کارگردان در نقش ناخدا قادر و توأم با رغبت عموم مردم به عنوان تماشاگر، از ارکان وقوع یک اتفاق فرهنگی، همچون نمایش است. اجبار، رقابت، پیشداوری و حتی انگیزه های آموزشی (آموختن فوت و فن های نمایش) برای هنرمندان شرکت کننده در یک جشنواره، شائبه ای در جامعیت تماشاگر عام است. گرچه سال ها پیش از این، در ایران این سخن که «تئاتر هنر خواص است» مسلم فرض شده بود. اما سخن برخاسته از طبیعت تئاتر نیست. بلکه کاستی تئاتر ما بوده است، که فقط جمعی محدود تماشاگران تئاتر می باشند. اما دوره ی کنونی، دوره ی تغییر نگاه است. در دوره ی کنونی، مدیریت تئاتر کشور بر آن است تا این



حمید شاه آبادی: «به نام خداوند زیبایی ها. سخن گفتن از تاثیر عمیق و اعتلاء بخش هنر نمایش بر مردمان یک جامعه، سخنی است بدیهی و بدون نیاز به استدلال. تماشاگرانی که برای حتی سرگرمی به تئاتر می روند، می دانند که اثر بخشی این هنر از نوعی دیگر است. نمایش، چون آیینی بالنده، پالاینده و پرمعنا، به زندگی آدمیان، رنگ و معنا می دهد.

از این رو برگزاری این آیین، شرایط ویژه و هنرمندانی می طلبد؛ مومن، متعهد، حساس و توانا. به ویژه آن که مخاطبان آن ها مردمانی باشند شریف، که در پی صراطی هستند به نام اسلام، که کامل ترین راه نجات بشر است. از این رو که نقش هنرمند بسیار حساس تلقی می شود. هنرمندی که برای مخاطب خداجوی چنین جامعه ای

تئاتر عرصه ی اندیشه های نو و خلاقیت هاست



علی اکبر فامیل کریمی معاون سیاسی - امنیتی استانداری همدان، نگاه ویژه ی مردم همدان را به جشنواره ی تئاتر کودک و نوجوان، علت موفقیت این جشنواره در همدان دانست. وی در گفتگو با خبرنگار روزنگار هجدهمین جشنواره ی بین المللی تئاتر کودک و نوجوان افزود: جشنواره ی تئاتر کودک و نوجوان به صورت بین المللی، طبیعتاً با توجه به اثر گذاری و اثر بخشی اش در حوزه و گستره ی موضوع، می تواند پدیده ای تحول زا در حوزه های فرهنگی باشد، از آنجا که این نوع موضوعات در ارتباط با آحاد مردم، به خصوص کودکان و نوجوانان است، شکوفایی و باروری بیشتری از خودش نشان می دهد، که منجر به نشاط اجتماعی و فرهنگی و عمومی در جامعه خواهد بود. به همین جهت، این گونه برنامه ها با استقبال عموم، خصوصاً کودکان و نوجوانان، رو به رو خواهد شد. علی الخصوص که استان همدان در حوزه ی کودکان و نوجوانان در ۵ سال گذشته، تجربه و پیشینه ی خوبی در مجموعه ی فضای مدیریتی و زیرساخت ها داشته است.

وی افزود: افکار مردم هم درگیر با موضوع کودکان و نوجوانان است و مردم همدان، نگاه ویژه ای به این موضوع دارند و این می تواند باعث موفقیت جشنواره ی تئاتر کودکان و نوجوانان باشد. فامیل کریمی تصریح کرد: استان همدان در کارنامه ی خود احیاگر عرصه ی سینمای کودکان و نوجوانان است و سهم به سزایی در حیات این جشنواره دارد.

جشنواره ی فیلم زمانی تحویل همدان شد، که نه روحی داشت و نه حیاتی ونه رمقی، و این نتیجه ی کار متولیان مرکز نشین بود. استان همدان همت کرد و جشنواره را احیاء کرد و وجهه ی بین المللی جشنواره را به آن بازگرداند و به عنوان یک بسته ی فرهنگی و هنری، آن را معرفی کرد و زمانی که آماده ی بهره برداری بیشتری بود، صاحبان زیادی برایش پیدا شد و این طفل را که بالغ شده بود، تصاحب کردند. معاون سیاسی استاندار همدان افزود: ما مصمم هستیم که مسیری را برای تئاتر کودک در استان رقم بزنیم، که همانند جشنواره ی فیلم یک الگوی موفق، کارآمد و مؤثر در عرصه ی فرهنگی و هنری قلمداد شود. وی درباره ی این که آیا جشنواره در استان همدان باقی خواهد ماند

یا خیر، بیان داشت: علی رغم تلاش های مسؤولان استان همدان، با کاری که متولیان مرکز نشین با جشنواره ی فیلم کردند، هیچ تضمینی برای بقای این جشنواره در همدان وجود ندارد. مگر این که اعتقاد راسخ پیدا کنند بر این که بخشی از امور و اختیارات ستادهای مرکزی راه تقدیم استان ها کنند و دخالتی در امور نداشته باشند. ما امروزه در مواجهه با این برنامه ها، صرفاً به نشاط جامعه فکر می کنیم. وی در خصوص تاثیر تئاتر در جامعه گفت: تئاتر عرصه ی اندیشه های نو و خلاقیت هاست، و بستگی به هنرمندی و حرفه ای گری دارد، که چقدر ما بتوانیم در این عرصه ی خلاق، از نوآوری و ابتکار برخوردار باشیم و آن را به سمت درست هدایت کرده، و بتوانیم این عرصه را تصاحب کنیم. فامیل کریمی افزود: همان طور که قبلاً گفتیم، تئاتر سرمایه گذاری است نه هزینه کردن. چون علاوه بر این که کانون های تربیتی را سامان می دهد، ایجاد رفتارهای مناسب را نیز در جامعه شکل می دهد. همه ی این ظرفیت ها در تئاتر نهفته است، ظرفیت هایی که اثر گذاری اش آنی و زود بازده است.

وی در انتها خاطر نشان کرد: من درباره ی تئاتر مطالعه دارم و سینما را هم دنبال می کنم، و با وجود مشغله ای که دارم، در صورت دعوت گروه های تئاتری در طول سال از نمایش ها نیز دیدن می کنم.

باید بستری فراهم کنیم تا جشنواره ی تئاتر کودک و نوجوان برای همیشه در همدان بماند و بومی شود



خیلی بالایی از پتانسیل تئاتر ما، صرف نمایش های کودک و نوجوان شود و تئاتر بزرگسال، مهجور بماند. این آفت نیست؟

به هر حال تئاتر کودک و نوجوان هم می تواند به رشد و تحول تئاتر، جامعه، و تعقل مخاطب اش کمک کند. اما در جواب نگرانی شما باید بگویم که، این نوع تئاتر در جایگاه خودش، یک هنر کاملاً حرفه ای است و نیاز به توجه و اهمیت و آموزش تخصصی دارد. نباید کار آسانی تلقی شود و به عنوان پله ای برای رسیدن به گونه ای دیگر از تئاتر، شناخته شود.

با توجه به تغییر دبیر جشنواره در سال دوم حضورش در همدان، منتظر تغییرات چشم گیری در روند برگزاری جشنواره باشیم، یا همه چیز همچنان طبق همان سیاست قبلی پیش می رود؟

قطعاً تغییراتی داشته ایم و آن ها را ادامه می دهیم. یکی از مهم ترین تفاوت های جشنواره ی همدان با همدان، این است که ما ظرفیت پذیرش آثار را - چه در بخش مسابقه ی ایران، و چه در بخش بین الملل - افزایش دادیم. دومین تغییر هم این بود که بخش مسابقه ی ایران را به شکل جدیدی برگزار کردیم. در سال های قبل، رسم و شیوه ی کار این بود که گروه هایی که در طول سال، نمایش هایی با موضوع کودک و نوجوان را روی صحنه برده بودند، در مرحله ی بازیگری شرکت می کردند و آثار نهایی از بین آن ها انتخاب می شد. اما امسال ما فراخوان ارائه ی متن نمایشی دادیم، و به این شکل، کسانی که منتشان پذیرفته شد، مجاز به شرکت در مرحله ی بازیگری بودند. همین امر هم، باعث تولید آثار جدیدتری در سطح کشور شد.

در بخش برگزاری کارگاه های آموزشی، و نحوه ی گنجاندن آن ها در تقویم جشنواره هم، شاهد این تغییرات خواهیم بود؟ این را از این جهت عرض کردم که تجربه نشان داده، در دوره های گذشته، این کارگاه ها با ربط مستقیمی با تئاتر کودک و نوجوان نداشته، یا متأسفانه مورد استقبال هنرمندان، قرار نگرفته اند.

واقعیت این است که این قضیه، یکی از ضعف های ما در تمام کارگاه های آموزشی است. ما همیشه در حوزه ی آموزش مقداری کم توجه بوده ایم و معمولاً هنرمندان هم، در این حوزه آن طور که باید فعال نیستند. ما امسال سعی کردیم که مدرسه های خوب خارجی و ایرانی را برای برگزاری کارگاه های مرتبط با نمایش کودک و نوجوان دعوت کنیم، اما دیگر بعدش را نمی دانیم که چه پیش می آید و بستگی به استقبال هنرمندان حاضر در جشنواره دارد. چیزی که می دانم و یقین دارم، این است که باید آن قدر این کارگاه ها را در جشنواره ها ادامه بدهیم، تا همه بدانند آموزش در حوزه ی تئاتر چقدر مهم است، و کارگاه آموزشی، بشود یکی از بخش های مهم و جدایی ناپذیر هر جشنواره. در ضمن، این را هم بگویم که ما امسال یک اجرای کارگاهی «اوربگامی» (هنر کاغذ و تا) در جشنواره داریم، که برای بچه هاست. و امیدواریم این کار، شروع خوبی باشد تا بتوانیم در سال های بعد، بخش کارگاه آموزشی برای کودکان و نوجوانان مخاطب را هم، تقویت و راه اندازی کنیم.

در بخش بین الملل انتخاب آثار چگونه بود؟ آیا می توانیم بگویم که هدف از آوردن گروه های خارجی، یک جور آموزش گروه های داخلی، و آشنایی آن ها با تئاتر کودک و نوجوان در سایر کشورهاست؟ یا نه، مخاطب این آثار هم تماشاگران کودک و نوجوان جشنواره هستند؟ به نظرم یکی از بخش های جشنواره که نیاز به تغییر دارد، همین بخش بین الملل است. برای این کار هم، ما اول باید بتوانیم جشنواره ی تئاتر کودک و نوجوان را در تقویم جشنواره های جهان ثبت کنیم. که این لازمه اش تعیین زمان ثابتی برای برگزاری آن است. در این صورت می توانیم انتظار داشته باشیم که گروه های حرفه ای تری به ایران بیایند. به هر حال، امسال ۶ اثر خارجی در جشنواره حضور دارند، که سعی کردیم آثاری باشند که بتوانند به تعامل هرچه بهتر هنرمندان تئاتر کودک و نوجوان ایران و سایر کشورها، کمک کرده، ما را به سوی تعامل با جشنواره های معتبر تئاتر کودک و نوجوان در دنیا، سوق دهند. این را هم بگویم که در انتخاب هایمان در این حوزه، سعی می کنیم که آثاری را به جشنواره دعوت کنیم که هم برای گروه ها و هنرمندان تئاتر مفید و آموزنده باشند، و هم مخاطب کودک و نوجوان را راضی نگه دارند.

جشنواره ی مطبوع اش، به هم وابسته اند. درست است؟

اصلاً غیر از این نیست. اتفاقاً همین مسئله باید موضوع بحث ما باشد. چنین مطالبه ای، تأثیر مستقیمی بر شیوه ی برگزاری جشنواره دارد. شیوه ای که باید متناسب با خواسته ها، و در شأن خانواده ی تئاتر کودک و نوجوان، طراحی و یا انتخاب شود.

با این اوصاف، شهر همدان چه ویژگی هایی داشت که مکان مناسبی برای برگزاری جشنواره ای با این خصوصیات باشد که شما برشمردید، تشخیص داده شد؟

خب، فراموش نکنید که جشنواره ی تئاتر کودک و نوجوان، اصلاً در همین شهر همدان متولد شد. بنیانگذارش هنرمندان تئاتر این شهر بودند. ۹ دوره ی ابتدایی اش هم در همین جا برگزار شد. و اساساً اعراف نیست، اگر بگویم که جریان مثبت تئاتر کودک و نوجوان، از همین شهر همدان شروع شد و به شهرهای دیگر تسری پیدا کرد. حال بماند که قدرش را ندانستند و این جشنواره برای مدتی از زادگاهش دور شد! از طرفی، همدان شهری است که سابقه ی خیلی خوبی در برگزاری جشنواره های ملی و بین المللی و منطقه ای مختلف دارد. نمونه اش برگزاری بسیار موفق ۴ دوره ی جشنواره ی فیلم های کودکان و نوجوانان. یا اگر از آن ۹ دوره ی ابتدایی بگذریم، برگزاری موفق هفدهمین دوره ی همین جشنواره ی تئاتر، که ثابت کرد همدان، چه پتانسیل بالایی دارد. در این انتخاب، این ها بی تأثیر نبوده اند.

این هایی که گفتید، می تواند دلیلی باشد برای این که توقع داشته باشیم که این جشنواره، برای همیشه در همدان بماند؟ چرا که نه؟ اما قبلاً قطعاً نیاز داریم که برنامه ریزی های لازم را در این زمینه انجام دهیم و بسترش را فراهم کنیم. آن وقت می توانیم این انتظار را داشته باشیم که این جشنواره، تبدیل به هویتی برای شهر همدان شود، و البته بالعکس.

و این بستر چگونه فراهم می شود؟ با شرایط موجود، آمیدی هست؟

توجه داشته باشید که مهم ترین جشنواره های تئاتر دنیا - مثل آوینون و ایدینبورگ - در شهرهای کوچکی غیر از پایتخت کشورشان برگزار می شوند. و مگر همدان چه چیزی کم تر از این شهرها دارد؟ این شهر هم می تواند خاستگاه تئاتر کودک و نوجوان در ایران باشد؛ به همان شکلی که جشنواره ی تئاتر خیابانی مریوان، تبدیل به هویت این شهر شده است. این هویت، باید در شهر همدان هم شکل بگیرد. بدیهی است که نیاز به برنامه ریزی و طراحی هوشمندانه ای داریم، اصلاً بگذارید این گونه بگویم که ما باید به سمتی حرکت کنیم که جشنواره ی تئاتر کودک و نوجوان در شهر همدان، شکل بومی به خودش بگیرد و به اسم همدان در دنیا شناخته شود. البته، تأکید می کنم که این کار، باید به دور از هرگونه شتابزدگی و تصمیم گیری های احساسی صورت بگیرد، تا پایه های آن درست و اصولی بنا شوند. و اگر این اتفاق بیفتد، شک ندارم که روزی می رسد که همه ی ستاد و دبیرخانه ی جشنواره به همدان منتقل خواهد شد، و حتی دبیر و داران را هم همدانی ها انتخاب می کنند. آن وقت مطمئن باشید که نگرانی اهالی تئاتر همدان هم برطرف می شود و مسئولین، از حضور دائمی جشنواره در این شهر استقبال می کنند.

در این صورت، اگر بدینانه به ماجرا نگاه کنیم، فکر نمی کنید که همین جشنواره، می تواند تبدیل به آفتی برای تئاتر همدان شود؟ متأسفانه در بین بسیاری از هنرمندان جوان و آماتور - مخصوصاً در شهرستان ها - این ذهنیت وجود دارد که تئاتر کودک، مقدمه و راهی است برای رسیدن به دنیای تئاتر حرفه ای. و باز هم متأسفانه، بسیاری از مسئولین هم همین عقیده را دارند.

من این را آفت نمی دانم!

از این جهت عرض کردم که این ترس وجود دارد که با علم به چنین دیدگاهی، حضور این جشنواره، خود به خود باعث شود که درصد

«شهرام کرمی ساده و صمیمی است. خاک صحنه خورده و تئاتر کودک و نوجوان را خوب می شناسد. ساعت خوشی را با او داشتیم. آرزوها و برنامه هایش برای این گونه ی نمایشی و جشنواره اش، شنیدنی بود / شهرام بزرگی»

اولین سوالی که ما مایل از شما به عنوان دبیر جشنواره بیرسم، این است که؛ اصلاً چرا جشنواره؟ مگر ضرورت برگزاری و میزان تأثیرگذاریش بر روند پیشرفت تئاتر کودک و نوجوان، در چه حدی است؟

جشنواره ها همیشه تأثیر مثبتشان را دارند. محفلی هستند برای این که بخشی از خانواده ی تئاتر، در مقطعی از سال دور هم جمع شوند و جشن مخصوص خودشان را برگزار کنند. اما، شاید بهتر باشد بحث را از اهمیت خود تئاتر شروع کنیم. امروزه تئاتر به عنوان یک علم شناخته می شود. علمی که در تمامی بخش های زندگی آدم ها رسوخ کرده و نقش و تأثیرش در بین عموم مردم، امری بدیهی و واضح است و همه به اهمیت آن پی برده اند. و طبیعی است که این هنر سازنده و پر اهمیت، در حوزه ی تئاتر کودک و نوجوان، نقش پررنگ تری به خود بگیرد و بتواند تأثیر به سزایی در آینده ی یک نسل داشته باشد؛ نقشی تربیتی - تعلیمی، که علاوه بر جنبه ی تفریحی و جذب مخاطب، به شکل گیری شخصیت کودک و نوجوان هم کمک کند، و متعاقب آن بر فرهنگ جامعه ای که آینده اش را همین کودکان و نوجوانان می سازند، اثر ویژه ای بگذارد.

یعنی معتقدید که جشنواره ی تئاتر کودک و نوجوان هم، اثر مستقیمی بر این جریان دارد؟

قطعاً همین طور است. جشنواره ی ما فقط یک فرصت برای حضور و عرض اندام گروه های نمایشی فعال در این حوزه نیست و می تواند در حیطه ی تئاتر کودک و نوجوان - که اهمیتش را ذکر کردم - جریان ساز باشد و به رشد و توسعه اش هم کمک کند. حتی می تواند در زمینه ی آموزش هنرمندانی که در این حوزه فعالیت دارند، هم نقش مهمی ایفا کند. ضمن این که ویتروینی است برای معرفی بهترین نمایش های ما در طول سال. و این یعنی وحدت بیشتر خانواده ی تئاتر کودک و نوجوان، و تعامل هرچه بیشتر و بهتر با گروه ها و هنرمندان داخلی و خارجی.

استدلالی هم برای اثبات این ادعا دارید؟

بله، شما می توانید به تاریخ تئاتر کودک و نوجوان کشورمان مراجعه کنید و به صورت مستند، میزان تأثیرش را ببینید. ما ایرانی ها وقتی قدر چیزی را می دانیم که آن را از دست بدهیم. بروید تحقیق کنید و ببینید در آن چند سال که جشنواره ی تئاتر کودک و نوجوان تعطیل شد، خانواده ی تئاتر ی چه ضربه ای خورد؟ عملاً چند سالی شاهد رکود و ضعف در این حوزه بودیم. و باز هم اگر به تاریخ و اسناد و حافظه ی هنرمندان این خانواده مراجعه کنید، خودتان می بینید که برگزاری مجددش در ۵ سال اخیر، چقدر موجب رشد و شکوفایی این نوع از نمایش شده است. دلیل از این مهم تر؟

پس با این اوصاف، می توانیم بگویم که برگزاری جشنواره ی تئاتر کودک و نوجوان، یکی از مطالبات بزرگ و به حق خانواده ی تئاتر است؟

شک نکنید! این جشنواره، مثل خیلی از جشنواره های تئاتری دنیا، یک جشنواره ی موضوعی است که حالا به مرحله ی بلوغ رسیده و توانسته جایگاهش را در درون خانواده ی تئاتر پیدا کند. و اتفاقاً همین خانواده است که برای مراقبت و نگهداری از حاصل هنرش، خواسته ی برحق دارد، یعنی؛ برگزاری منظم و مداوم جشنواره. و همین وظیفه ی ما را سنگین تر از قبل می کند.

و نتیجه می گیریم که خانواده ی تئاتر کودک و نوجوان و

معرفی گروه نمایشی این همه غول

کارگردان: مجتبی مهدی



حسن، پسر روپارداز و خیال بافی است که تن به کار نمی دهد و به پدر پیرش که ماهیگیر ناتوانی است، کمک نمی کند تا این که در خواب از کوزه ای که در اختیار دارد، غولی بیرون می آید و حاضر می شود که سه آرزوی او را برآورده کند. اما حسن از آنجا که آرزوهای زیادی دارد به سه آرزو راضی نمی شود و در اولین آرزو همه ی غول های دنیا را طلب می کند تا به آرزوهای بیشتری دست پیدا کند. اما با به دست آوردن تعدادی از غول های دنیا مشکلاتی برای حسن پیش می آید که در طول نمایش با آنها دست به گریبان است. در انتها، با بیدار شدن از خواب، متحول شده و تصمیم می گیرد که به پدر پیرش کمک کند. آنچه خواندید، خلاصه ی نمایش «این همه غول» به نویسندگی و کارگردانی مجتبی مهدی است که با یکی از تکنیک های طراحی صحنه ی اسوآبادا اجرا می شود و تلفیقی است از بازی بازیگران، آینه، فیلم و جلوه های ویژه ی بصری. در این کار مجید امیری، روشنگ کریمی، هومن خدادوست، حامد مدرس، احسان مهدی، ولی... تقفی، حسین مزینانی، سامان کرمی، پیمان قاسم زاده، مینووش رحیمیان و محمدعلی ابراهیمی بازی می کنند و حسین یاسینی آهنگساز این نمایش است و ولی... شاکر و مجتبی مهدی با همکاری هم طراحی دکور و صحنه را کرده اند و روشنگ کریمی نیز با همکاری شاکر طراحی لباس را انجام داده است، شاکر به چهره آرایی پرداخته است تا در نقش انیماتور به کمک احسان مهدی بشتابد.

مجتبی مهدی متولد ۱۳۳۷ است و دیپلم طبیعی گرفته است. از سال ۱۳۶۲ فعالیت تئاتری خود را آغاز نموده و تا کنون چندین نمایش کودک را به رشته ی تحریر در آورده و کارگردانی نموده است، یادداشت آقای مهدی را با هم می خوانیم:

«این، معجزه ی لبخند توست وقتی که چراغ جادویی نیست و من پیوسته آرزوهایم برآورده می شود.»

که برای یافتن پاسخ، خودش وارد عمل شود تا آنجا که موفق می شود دیو نگو و نپرس را از بین ببرد و همه ی اهالی روستا را شاد کند.

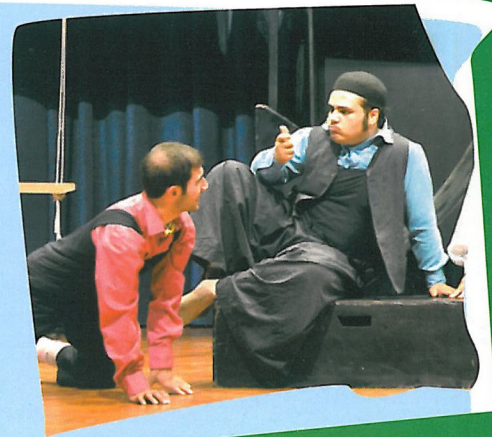
در این نمایش احمد نخودیان، علی صفر زاده، فاطمه طاهری، نسرین رجبیان، سحر رضائی، شکوبا مسیبی، آمنه موسوی، مرضیه فهرست، محمد معلمی، عباس جلیل زاده و پیام کرک وند بازی کرده اند، سما عطریان طراحی لباس و بروشور را عهده دار بوده است و خود مجید کیمیایی پور نیز طراحی صحنه را هم برعهده گرفته و ساخت موسیقی را به هومن همای سپرده است محمد معلمی هم دستیار کارگردان است.

جمله ی یادگاری کیمیایی پور: «سال ۷۳ در جشنواره تئاتر کودک همدان دره های مه آلود پیدا شدم. امروز در روشنائی گم.»

گروه آفرینش فعالیت خود را به صورت رسمی از سال ۱۳۷۱ به سرپرستی مجید کیمیایی پور آغاز کرد. و با توجه به دغدغه ی اعضای اصلی گروه در شاخه ی تئاتر کودک و نوجوان به فعالیت خود ادامه داد. این گروه ۲. نمایش کودک در کارنامه ی خود دارد. از سال ۱۳۷۳ نیز با جشنواره ی تئاتر کودک و نوجوان امید همدان همکاری مستمر داشته است. آخرین فعالیت این گروه، پژوهشی در ادبیات نمایشی کودک و نوجوان است و با نمایش «حسنی و دیو ها» در این دوره از جشنواره ی تئاتر کودک حضور دارد.

کارگردان این نمایش مجید کیمیایی پور متولد ۱۳۵۵ اصفهان، عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد نجف آباد و دانشجوی دکتری نمایش سنتی در دانشگاه um مالزی می باشد.

متن این نمایش را محمد حسین ناصر بخت نگارش نموده است. در این متن حسنی پسرکی کتاب خوان و کنجکاو است که دائماً سؤال می پرسد و برای سؤالانش از مادرش کتابی در خواست می کند و مادر نیز از او می خواهد



معرفی گروه نمایش حسنی و دیوها



کلی آدم باید دلشون رو بزمن به دریا و یک دل بشن تا رویای کارگردان به حقیقت تبدیل بشه، و بر همگان واضحه که رویا تا مجسم بشه، دل صاحبش آب می شه.

حسین چراغی که عاشق این افسانه قدیمی «سادکو» شده، از مجید بوربور خواهش میکنه تا قصه و روایتی جدید و البته شیرین خلق کنه، از بهناز مهدیخواه و خود نویسنده دعوت میکنه تا نقش آدمای قصه رو بازی کنن.

امیر پورخلجی به دوست صمیمیه که برای نمایش موسیقی ساخته، مریم معینی نه تنها با صدای گرمش قصه گویی میکنه، بلکه بخش طراحی لباس رو هم به عهده گرفته. رعنا عتیقی مقدم هم کار دشوار دستیاری رو قبول کرده. طراحی صحنه به عهده ی خود حسین چراغی بوده اما برای این که ایده عملی بشه، نیاز به کمک دوستایی بود که به کمکش بیان تا تو ساخت دکور همراهی کنن، و اونا هم الهام زنبوری، زهرا رودکی، مانده جابری و سمیرا خوشبین بودن. راستی این نمایش کلی هم عروسک داره، زهرا رودکی خالق، طراح عروسک ها بود و فاطمه عباسی، سمیه صادق پور، الهام زنبوری و خود زهرا رودکی عروسک ها رو ساختن.

و خلاصه کلی دوست دیگه تو بخشهای مختلف که بدون حضور اونا این نمایش هیچ وقت آماده نمی شد... حالا حسین چراغی از همه دوستای خوبش که تو این نمایش زحمت کشیدن سپاسگزاری می کنه و شما رو به دیدن این نمایش دعوت میکنه...

«نوازنده ای که ماه را می نواخت»

حسین چراغی

تهران - بخش مسابقه بین الملل

تا حالا به عکس ماه وقتی که روی آب می افته، نگاه کردین، وقتی که ماه کامله؟ شبیه چیه؟ شبیه ماه... دیگه شبیه چیه؟ به فنجون؟ یه توپ گلف؟ یه سوراخ رو به نور؟ ریش های یه پیرمرد؟ به قالب پنیر؟ آسپرین بچه؟ نون برنجی؟ خال سفید به گاو؟ حالا وقتی ماه هلاله چی... شبیه به داس؟ یه تاج عروس؟ عاچ فیل؟ یه کیسه خواب آویزون؟

اما من یه نفر رو می شناسم که هر بار به ماه روی آب نگاه می کنه، چیز دیگه ای می بینه، کی؟ براتون میگم، چی می بینه... عجله نکنین اون رو هم براتون میگم...

این نمایش قصه ی یه نوازنده ی فقیره که عاشق رودخانه ایه که از شهپر میگذره، در یکی از شپها که برای رود کوچک ساز میزنه به پادشاه دریا برمی خوره و پادشاه دریا اونو دعوت میکنه به زیر دریا و این آغازی است برای یک نمایش خاص نوجوان به نام «نوازنده ای که ماه را می نواخت»

حسین چراغی خیلی دلش می خواست تا برای نوجوانا به نمایش بسازه تا اونا بالاخره بعد از مدتها به تماشای نمایشی برای گروه سنی خودشون بنشینن... پس پاشته کفشش رو و کشید و دلش رو زد به دریا تا ابر بشه، بارون بشه، بریزه رو دل نوجوانا...

البته یادمون نره که برای این که این نمایش به روی صحنه بیاد،



نقاشی کودکان همدانی در نمایش خیابانی

کودکان همدانی در نمایش خیابانی «حال زمین خوب نیست» هم خانه نقاشی کردند، هم درباره ی زلزله مطالب آموزنده ای آموختند. این نمایش به نویسندگی و کارگردانی محمود فرهنگ در بخش ویژه ی جشنواره، در محوطه ی ورودی مجتمع شهید آوینی، و محوطه ی مجتمع بوعلی اجرا شد. گفتنی است که این نمایش، تا انتهای جشنواره ۱۰ اجرا در سطح شهر همدان خواهد داشت.



اهداء جایزه ی ویژه به گروه های نمایشی

«مرکز ملی استیج ایران»، به سه گروه برگزیده ی جشنواره، جایزه ی ویژه اهدا خواهد کرد، همچنین دو گروه نمایش برگزیده ی ایرانی در هر دو بخش مسابقه ی ایران و بین الملل، جهت اجرا، به خارج از کشور اعزام خواهند شد. گفتنی است استیج، سازمان حمایت از تئاتر کودکان و نوجوان است.



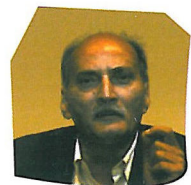
تلاش شبانه روزی برای حفظ آرامش در جشنواره ی تئاتر کودک و نوجوان

یزدان آزرمی، مسئول حراست جشنواره ی تئاتر کودک و نوجوان ابراز داشت: فعالیت این کمیته از مدت ها قبل از جشنواره آغاز شده است. تلاش همه جانبه ی این کمیته برای برقراری نظم و آرامش در جشنواره - در حوزه های مختلف - شامل: میهمانان، سالن ها، هنرمندان و... تا پایان جشنواره ادامه خواهد داشت، و البته، حفظ و رعایت ارزش های نظام و انقلاب، مورد تأکید این کمیته است.



کارگاه آموزشی «شارما»

این کارگاه با موضوع «تئاتر مشارکتی» در روز دوشنبه ۱۶ آبان در سالن سینما کانون برگزار شد. تئاتر مشارکتی را خود آقای شارما ابداع کرده است، و «کلونا» اسم تئاتری است که ایشان به عنوان تئاتر مشارکتی انجام می دهد. ایشان در هندوستان به نام «ویکی» شناخته می شود و فارغ التحصیل دانشگاه NSD است. در تئاتر مشارکتی، کسانی که به عنوان تماشاگر در سالن نشسته اند، در واقع بازیگران اصلی نمایش هستند، و در حین اجرای آن، به بازی گرفته می شوند. شکل کار هم به این صورت است که بازیگرانی که روی صحنه می آیند، در حین جلو رفتن نمایش، وقتی چالشی در روند داستان به وجود می آید، تماشاگران کمک می خواهند و با سوال کردن، رسماً آن ها را وارد بازی و نمایش می کنند. بر همین اساس، آقای شارما با شرکت کنندگان در کارگاه، شروع به کار کرد، و در حین بخش فیلم قطعه هایی از نمایش های قدیمی اش، که به این شیوه کار کرده بود، قوائد این نوع تئاتر را عملاً به هنرمندان آموزش داد.



عروسک های ایرانی در مراسم افتتاحیه

«فریبا یعقوبلو» از طراحان بخش های مختلف مراسم افتتاحیه ی جشنواره در گفتگو با «روزنگار امید» گفت: سعی من این بود تا در مراسم افتتاحیه، از نمادهای ایرانی استفاده کنم و تخیل کودکان را در دیدن این نمایش به کار بگیرم. وی افزود: دارا و سارا که از عروسک های ایرانی اند، شخصیت های این نمایش هستند که آرزو می کنند به شهر آرزوها و دنیای قصه ها سفر کنند. پروانه ها را که نماد تخیل کودکان در نظر گرفته بودیم، بچه ها را به شهر همدان می آورند، تا آرزوی بچه ها برآورده شود. گفتنی است فریبا یعقوبلو از پیشکسوتان تئاتر همدان است.



بازیگران ایرانی «توماس لانگ» را مبهوت کردند

مرضیه تکمه داش مسئول کارگاه ها و نشست ها، در گفتگو با «روزنگار امید» جشنواره گفت: توماس لانگ از استادان کارگاه آموزشی، بازی بازیگران ایرانی را تأیید کرد و بدون نقص دانست. وی افزود: توماس لانگ در کارگاه آموزشی اذعان داشت؛ من پس از تماشای نمایش های ایرانی، نمی دانم چه بگویم و واقعاً چه چیز باید در این کارگاه ها آموزش دهم، چرا که بازیگران نشان دادند بسیار توانمندند. کارگاه های آموزشی در طول برگزاری جشنواره، در سالن سینما کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان واقع در میدان باباطاهر برگزار می گردد.



جذب مخاطب، یکی از اهداف جشنواره است

«حسین محب اهری» در خصوص اهداف جشنواره به «روزنگار امید» گفت: به اعتقاد من، هر جشنواره دو هدف مهم دارد، که اولین هدف آن، انتقال تجربیات گروه های منتخب است. در جشنواره ها، بستری فراهم می شود تا گروه های نمایشی از سراسر کشور گرد هم آیند و به تماشای کارهای یکدیگر بنشینند، که این اتفاق منجر به تبادل افکار و تجربیات می شود. وی در ادامه افزود: هدف دیگر جشنواره ها، جذب مخاطب و تأثیر آن در محلی است که جشنواره در آن اجرا می شود، که این به عنوان یک حرکت مهم فرهنگی در آن محل قلمداد می شود.



کارناوال شادی از مورخ ۱۱ آبان ماه در سطح شهر همدان - به جز ایام شهادت - به راه افتاده است تا چهارشنبه ی آتی شور و نشاط و شادی را به خیابان ها و تعدادی از مدرسه های همدان می کشاند و شور و حال جشنواره را در چندین می کند.

مراسم قرائت دعای عرفه ظهر روز یکشنبه ۱۵ آبان با حضور اعضای کمیته ها در مسجد امام زاده عبدالله و ۶ مسجد شهرستان همدان برگزار شد. این مراسم با مشارکت دبیرخانه ی جشنواره ی تئاتر کودک و نوجوان، دبیرخانه ی کانون فرهنگی - هنری مساجد، اداره ی کل فرهنگ و ارشاد اسلامی استان همدان و اداره ی اوقاف و امور خیریه ی شهرستان همدان برگزار گردید.

زنگ ایثار با حضور فرماندار همدان، مدیران سازمان آموزش و پرورش و مدیران اداره ی کل فرهنگ و ارشاد اسلامی و کارکنان دبیرخانه ی جشنواره به مناسبت بزرگداشت شهدای سی مهر سال ۱۳۵۷، در مدرسه ی شهید احمد کرمی به صدا در آمد. گفتنی است که در سی مهر دومین تظاهرات بزرگ همدان با حضور پر شور مردم و دانش آموزان برگزار و طی آن ۳ نفر از دانش آموزان نیز به شهادت رسیدند. با هدف تجدید میثاق با خون شهدا، در حرکتی نمادین زنگ شروع جشنواره به عنوان زنگ حماسه در مدرسه ی شهید احمد کرمی نواخته شد.

زنگ امید در مدرسه ی استثنای نابینایان حضرت موسی بن جعفر (ع) همدان گوش های دانش آموزان این مدرسه را نوازش داد. در این مراسم که مسئولان آموزش و پرورش و عوامل اجرایی جشنواره تئاتر کودک و نوجوان حضور داشتند، به دانش آموزان هدایایی به رسم یادبود اهدا شد.

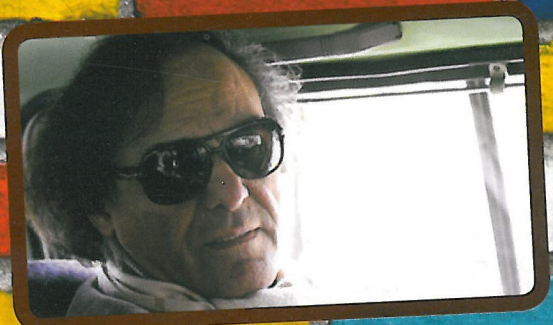
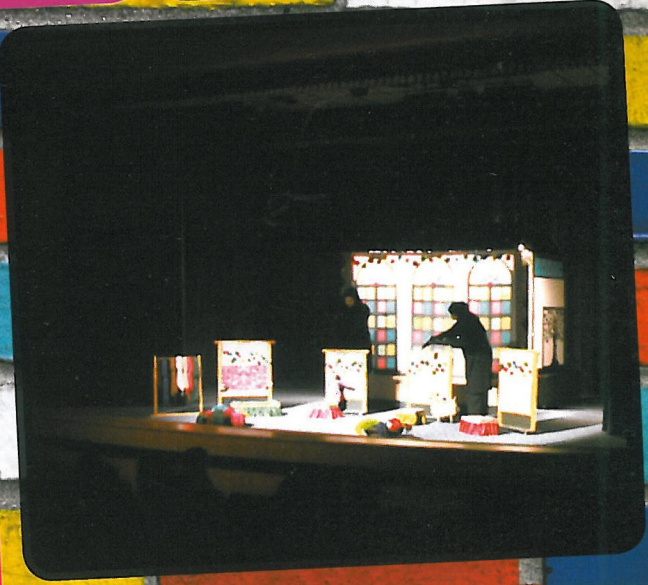
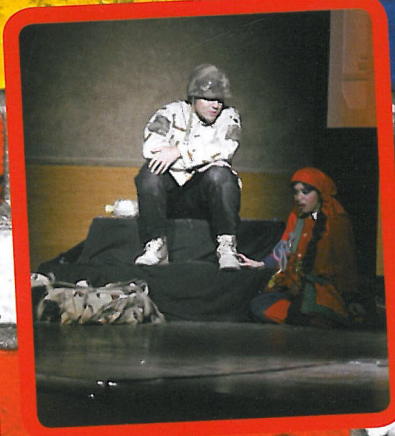
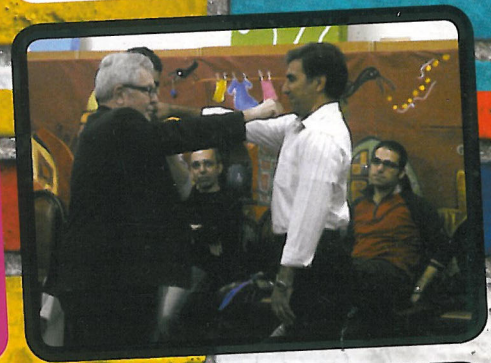
در آیینی از برگزیدگان نشریه ی امید هجدهمین جشنواره ی تئاتر کودکان و نوجوانان در شهرستان نهاوند تقدیر شد. به گزارش کمیته ی شهرستان ها در این مراسم که ۶۵ نفر از برگزیدگان حضور داشتند، به قید قرعه به ۵ نفر جوایز ارزنده ای اهدا شد.

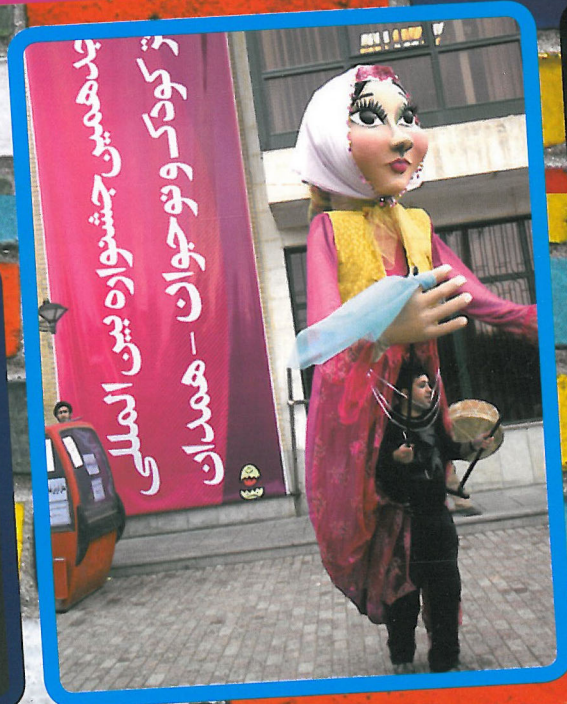
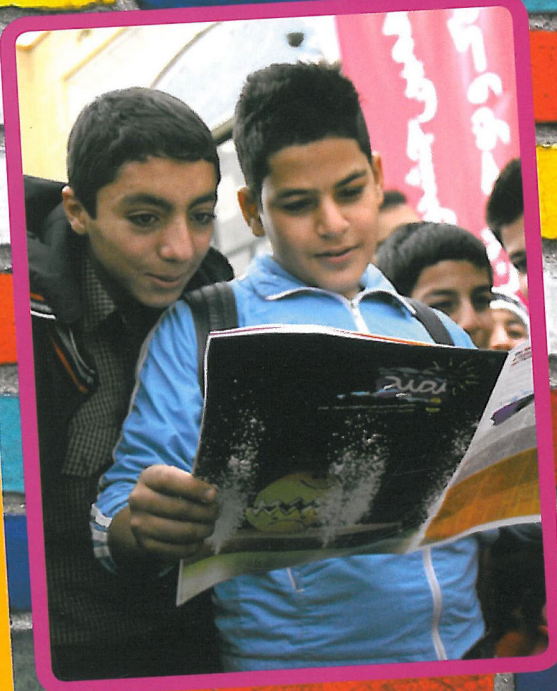
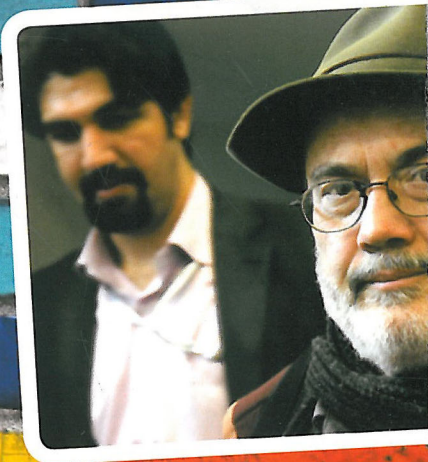
مسابقه ی نقاشی با عنوان یادمان شهید فهمیده با ۵ موضوع نماز، دفاع مقدس، سیزده آبان روز دانش آموزی، شهادت و ایثار و یار مهربان در استان همدان برگزار می شود و به مناسبت هجدهمین دوره جشنواره ی تئاتر کودک و نوجوان به هجده نفر از برگزیدگان در دو سطح شهرستان ها و استان جوایزی اهدا می گردد. علاقه مندان جهت کسب اطلاع بیشتر می توانند به ادارات فرهنگ و ارشاد شهرستان ها مراجعه نمایند.

مروری بر نمایش های اجرا شده در دوره هفتم، عنوان نمایشگاه عکس گروهی عکاسان همدان است که در نگارخانه ی استاد زنگنه در مجتمع شهید آوینی برگزار می شود. گفتنی است که این نمایشگاه همه روزه در ایام جشنواره از ساعت ۹ صبح تا ۶ بعدازظهر پذیرای علاقه مندان هنر نمایش و عکاسی است.

نمایشگاه رسانه های آموزشی به منظور آشنایی کودکان و نوجوانان با انواع وسایلی آموزشی و کمک آموزشی در مجتمع شهید آوینی برپا گردید. این غرفه به عنوان اولین مرکز وسایل آموزشی در شهر همدان در نظر دارد تمامی رسانه های دیداری، شنیداری و چند حسی آموزشی را به کودکان و نوجوانان و خانواده های آنان معرفی نماید.

داوران کودک و نوجوان همدانی آثار بخش مسابقه ایران را داروی خواهند کرد. این گروه ۱۲ نفره طی ۲ مرحله آزمون کتبی و ۱ مرحله آزمون عملی از بین ۱۳۸ داوطلب انتخاب شده و زیر نظر استادان همدانی، سرکار خانم فاطمه ابرار، کارشناس ارشد کارگردانی و آقای سهراب نیک فرجاد پیشکسوت و کارشناس کارگردانی، آموزش دیدند.





تئاتر و تعلیم و تربیت دینی

سیدحسین فدایی‌سین

قسمت دوم



هنر و تعلیم و تربیت کودکان

به‌طور کلی کودکان از سال‌های پس از تولد در برابر صداهایی مانند سرود و موسیقی به هیجان می‌آیند و اغلب نسبت به این گونه صداها از خود واکنش نشان می‌دهند. تلاش در کاربرد واژه‌ها و عبارات‌های آهنگین و قافیه‌پردازی در گفتار روزمره، از ویژگی‌های عمده ی زبان در سال‌های کودکی است. کودکان همچنین به شنیدن داستان‌ها و تماشای فیلم‌های داستانی تمایل بسیار دارند، به‌طوری‌که دقت نظر در حال و هوای کودک در لحظه‌های بحرانی و هیجانی، حاکی از جذابیت و تأثیر عمیق داستان بر این گروه سنی است.

از آن‌جا که شعر از صدای کلمات، ترکیبی موزون می‌سازد، کودکان از گوش دادن به آن لذت می‌برند. خردسالان را می‌توان با اشعار مخصوص آن‌ها، مانند شعرهای بسیاری از شاعران معاصر، آشنا کرد. گاه تکرار این گونه اشعار به کودکان کمک می‌کند تا آن‌ها را بخاطر بسیاری.

همچنین شعرخوانی در کلاس، اغلب باعث علاقه‌مندی کودکان به صدای کلمات می‌شود. گاهی قافیه‌پردازی و تجانس حروف، توجه کودکانی را که تنها از صدای کلمات و طریقه‌ی جاری‌شدن صداها بر زبانشان لذت می‌برند، به خود جلب می‌کند. بنابراین، کودکان را باید به بازی با کلمات تشویق کرد. اشعار را باید با صدای بلند خوانند تا قافیه و وزن آن واضح‌تر باشد. [اسپراک، ۱۳۶۹]

از سوی دیگر، نمایش و بازی‌های نمایشی در سال‌های اولیه زندگی کودک نقشی آشکار دارد و کودک از همان هنگام که سخن گفتن و راه رفتن را می‌آموزد، با تقلید از دیگران، رفتارهای مختلف را به نمایش می‌گذارد و از این طریق به تکرار و بازآفرینی تجربه‌های تقلید از والدین و دیگران می‌پردازد. همچنین کودک با روی آوردن به نقاشی، گویسی عقاید و عواطف، مشکلات و محدودیت‌های زندگی خویش را بیان می‌کند.

از سوی دیگر، افسانه و داستان، نقشی درخور توجه برای تمام گروه‌های سنی دارد. در این راستا اگرچه هنر با تفریح و تنوع همراه است، اما نقش آن صرفاً به سرگرمی محدود نمی‌شود، بلکه پیامدهای آن تا حدی است که می‌تواند جنبه‌های تشخیصی، آموزشی، پرورشی و درمانی را در بر بگیرد. [میرزاییگی، ۱۳۷۳] به‌طور کلی دنیای کودکان، دنیای عواطف، احساس‌ها، تخیل‌ها، خیال‌پردازی و بازی است، از این‌رو کودک ارتباط عمیقی با هنر، به‌ویژه شعر و موسیقی و نمایش دارد.

رابطه‌ی تئاتر و تعلیم و تربیت

چنان‌چه بخواهیم به رابطه‌ی درستی بین تئاتر و تعلیم و تربیت دست یابیم، ابتدا باید به راه مناسبی برای همکاری مدارس و شرکت‌ها و گروه‌های تئاتر بیندیشیم، به‌شکلی که بتوانند به یکدیگر کمک کنند و در اهداف دوجانبه‌ی ارتقاء سطح تأثیرگذاری تئاتر خوب، سهیم باشند. در این خصوص شاید خالی از لطف نباشد که به مفهومی بحث‌برانگیز و قابل توجه در چند دهه‌ی پیش از این، پیرامون رابطه‌ی تئاتر و تعلیم و تربیت اشاره‌ی داشته باشیم.

در دهه‌ی ۱۹۷۰ «پداگوژ»، «آموزش‌یار» یا «مربی تربیتی»، «عضوی از کارکنان اداری بود که در تئاترهای کودکان اغلب کشورهای اروپای شرقی، و به‌ندرت در غرب، فعالیت می‌کرد. به‌طور کلی پداگوژ، مقام و موقعیت مهمی در تئاتر کودکان و نوجوانان داشت و در برخی از موارد با مدیر هنری تئاتر، یکسان تلقی می‌گردید. دولت شوروی از طریق آموزش‌یاران، کاربرد آموزشی مناسب و صحیح را برای تئاتر تأمین می‌کرد. این مربیان معمولاً به‌عنوان آموزگار، دوره‌های خاصی را می‌گذرانند و در این زمینه مهارت کسب می‌کردند و سپس به‌عنوان یک ارتباط‌دهنده میان کاربردهای تعلیم و تربیت و هنر، در توسعه‌ی تئاتر کودکان و نوجوانان نقش ایفا می‌کردند.» [کلدربرگ، ۱۳۸۷]

هرچند در طول دهه‌های گذشته مباحث مختلفی در خصوص مفهوم «پداگوژ» مطرح گردیده است اما به‌نظر می‌رسد که نباید در اتخاذ مفهوم مشخصی در این زمینه سردرگم شویم. چون اصل این است که هنر باید آزاد باشد و کودک نیز باید آزادانه عمل کند تا از تخیل خود نهایت استفاده را ببرد. با این حال می‌توان گفت که: پداگوژ، دراصل هنر و علم تربیت کودکان است و اغلب مترادف با واژه ی تدریس یا تعلیم و آموزش به کار برده می‌شود. به‌طور دقیق‌تر پداگوژ، آموزش معلم‌محور است. [امینی، ۱۳۸۵]

اما نخستین برداشت از «تئاتر پداگوژیک» در اجرای نمایش‌های کودک و نوجوان این است که در فرآیند آماده سازی و تمرین با کودکان، آنچه مهم است، حاصل کار و اجرای نهایی نیست؛ بلکه شیوه‌ها و طرق تمرین و مدت زمان آن است که اهمیت فوق‌العاده می‌یابد. درواقع از این منظر، فرآیند تئاتر پداگوژیک، به فرآیند «نمایش خلاق» و «تئاتر درمانی» شباهت پیدا می‌کند. چنان‌که می‌دانیم «بسیاری از رویکردهای عملی، قوی و به‌روز در روان درمانی و تعلیم و تربیت، از روش تئاتر درمانی گرفته شده است.» [همان]

تئاتر پداگوژ در واقع وسیله‌ای است برای روشنگری و با تئاتر تبلیغی، تهییجی

و سیاسی متفاوت است. تئاتر پداگوژ، شاخه‌ای از تئاتر هنری نیست. هدف در تئاتر پداگوژی این است که از طریق تئاتر و تأثیراتی که تئاتر می‌تواند بگذارد، در زمینه‌های مختلف اجتماعی، همه‌جیز راحت‌تر و بهتر پیش برود. در واقع به‌نوعی استفاده از تئاتر به‌عنوان ابزاری برای کار فرهنگی و توسعه‌ی اجتماعی محسوب می‌شود. تئاتر پداگوژی در درجه‌ی اول یک کار فرهنگی - هنری است و در مرحله‌ی بعد وظیفه‌اش کار بر روی شخصیت افراد است تا خود را بشناسند و پرورش دهند و در جامعه نمود پیدا کنند. این گونه تئاتر، بیشتر تئاتر حرکت و بدن است و از آن‌جا که گروه‌های بازیگران همواره افرادی آماتور هستند که از یک گروه اجتماعی خاص انتخاب شده‌اند و حفظ کردن متن برای آن‌ها مشکل است، متن را تا حد ممکن کوتاه و ساده می‌کنند.

اساساً پداگوژی به‌طور اعم درخصوص تمامی گروه‌های اجتماعی و به‌طور خاص در مورد گروه سنی کودک و نوجوان، روشی موثر و کارآمد برای اصلاح ناهنجاری‌های غیربالینی کاربرد دارد و اجرای نقش در تعلیم و تربیت، مشاغل و صنعت و در برنامه‌های پرورش روحی یا اصلاح ساختار جامعه و حتی پیدا کردن راه حل مسئله و یا فقط برای تفریح در زندگی روزمره مناسب است.

هدف در این حوزه تنها خودشناسی است. گروه‌های هدف در این‌جا، خردسالان، نوجوانان، افراد مسن‌تر، معلولین (برای خودشناسی و نه درمان)، افراد زاغه‌نشین، بی‌کاران، مجرمین، مهاجرین و... هستند. اهمیت به این شاخه از تئاتر پداگوژی، نوعی سیاست فرهنگی خاص را می‌طلبد؛ زیرا در این‌جا افراد می‌توانند خواسته‌های خود را در هر زمینه‌ای بر صحنه بیاورند.

ناگفته نماند که در مسیر «تئاتر پداگوژیک» برای کودکان، آموزش عمومی برای رفتارهای اجتماعی مثل رعایت قوانین، احترام به افراد اجتماع و... همچنین آموزش‌های اختصاصی مثل آموزش درس گوناگون از طریق اجرای نمایش نیز دیده می‌شود. مثلاً در برخی کشورهای اروپایی آموزش چگونگی رفت‌وآمد کودکان و نوجوانان در خیابان و رد شدن از خطوط عبور پیاده و... از طریق نمایش صورت می‌گیرد. در این میان اگر فرد یا افرادی از کودکان دارای مشکل ارتباط یا هر مشکل رفتاری دیگری باشند، آن‌ها بر بوز می‌دهند و اولین قدم برای حل مشکل در همین جا برداشته می‌شود. زیرا وقتی فرد مسئله‌اش را در جمع و با کمک افراد دیگری نشان می‌دهد، به‌هنگام بحث و مشارکت بعدی، درمی‌یابد که تنها او نیست که این مسئله را دارد و در میان افراد گروه خود نیز کسانی از این‌نظر مشابه او هستند.

درواقع هنگامی که تفکری تجسم می‌یابد تا دیگران نظاره‌گر آن باشند و مورد پذیرش آنان قرار گیرد، واقعی‌تر به‌نظر می‌رسد. این مفهوم عملی و نظری، کاربرد مهمی در درمان و تعلیم و تربیت دارد. افراد، بیشتر نیاز دارند که واکنش‌های خود را عملی سازند تا این‌که در موردشان فقط حرف بزنند یا حرف بشنوند. [امینی، ۱۳۸۵]

به‌رحال، کودکان برای رشد و تربیت نیاز به عوامل متعددی دارند و تئاتر هم به‌واسطه‌ی ویژگی‌ها و قابلیت‌های منحصربه‌فرد خود، یکی از بهترین آن‌ها است. نیاز به تئاتر گرچه به‌اندازه‌ی رفع گرسنگی و برآوردن نیازهای اولیه، محسوس نیست و حتی بعضی اوقات لوکس تلقی می‌شود، ولی موجب باروری فکر و اندیشه انسان می‌گردد. تئاتر با بالا بردن آگاهی کودکان، به آن‌ها کمک می‌کند تا بهتر بتوانند با محیط پیرامون خود تطبیق پیدا کنند. به‌عبارت دیگر، تئاتر کودکان نوعی بازی نمایشی است که به بچه‌ها در ارزشیابی دیگران یاری می‌کند.

نقش هنر تئاتر در تعلیم و تربیت دینی

هنر، همواره نقشی اساسی در تحول همه‌ی دین‌های جهانی داشته است. هنر با دیداری کردن تجربه‌ها، قصه‌ها و آرزوها، معنای انسان‌بودن را به تصویرهایی قابل‌مشاهده ترجمه می‌کند. درحالی‌که دین، در مقام الهامی معنوی برای خلاقیت و فرهنگ بشری، انسانیت و الوهیت را از طریق آیین و اسطوره به هم می‌پیوندد. در اجرای آیین‌ها و روایت اسطوره‌ها، دین و هنر، هم در نظر و هم در عمل با هم قرین می‌شوند. هنر با داشتن رابطه‌ی ذاتی و طبیعی با حقیقت و زیبایی و نیز حساسیت‌های انسانی، ممکن است تجربه‌های دینی یا به قول «رودولف اتو»، پدیدارشناس دین، «تجربه‌ی ماوراءطبیعی و مقدس» را در پی آورد. آثار هنری می‌توانند معنای آیین یا تجربه‌ی دینی را «بگیرند» یا انتقال دهند و با «منجم‌کردن» آن در صورت، امکان تکرار (احتمالی) آیین اصلی یا تجربه‌ی دینی را به‌وجود بیاورند. زمانی که اغراض موقد دینی از طریق تصویر بیان می‌شود، هنر به ارتباط دینی تبدیل می‌گردد و این صورت ارتباطی منحصربه‌فرد، باورها، رسوم و ارزش‌ها را تقویت می‌کند. [واضحی آشتیانی، ۱۳۸۶]

در این خصوص، هنر نمایش به‌عنوان یک شیوه‌ی بیانی، شامل سلسله حرکات بهم پیوسته‌ای است که دارای مفهوم و پیامی خاص می‌باشد که از طریق آن با مخاطبان و تماشاگران ارتباط برقرار می‌شود. پس نمایش عملی است گویا و حرکاتی است ناطق، و بیشتر از جنبه‌ی «سمعی - بصری» برخوردار است. به همین دلیل، هم گریابی خاصی دارد و هم دارای تأثیرگذاری بیشتر است و همچنین می‌تواند اشارات غیرمستقیمی به مفاهیم مورد نظر خود داشته باشد.

در تئاتر، روی حرکت، رفتار، نوع سخن و کیفیت کلام و حتی نحوه‌ی نگاه، دقت و توجه خاصی صورت می‌گیرد و این به‌خاطر تأثیر است که «چگونگی» هر عمل و حرکت و کلام بر بیننده می‌گذارد. گاهی برای تفهیم یک موضوع و القاء یک ایده، مؤثرترین راه، «نمایش» است و ایجاد صحنه‌ای که آن، محتوا به‌عینیت بنشیند، در قرآن کریم نیز از این گونه تمثیل‌ها و نمایش‌ها جهت بیان

قصه‌های عبرت آموز، فراوان یاد شده است.

زمانی می‌توان یک اثر نمایشی را برخوردار از جنبه‌های دینی و ارزشی قلمداد کرد که - با بیانی غیرمستقیم - پیامی تربیتی و آموزشی را به مخاطب عرضه نماید و یا وی را به تفکر وادارد و یا بینش و بصیرتی را به او ارائه نماید. البته شیوه‌ی بیان و موضوعات مطرح شده می‌تواند متفاوت باشد. تئاتر می‌تواند دارای محتوای سیاسی و اجتماعی، یا تربیتی و اخلاقی باشد، یا به بازآفرینی حوادث تاریخی بپردازد و یا جنبه‌ی آموزشی و علمی داشته باشد. آن چه مهم است، این است که تماشاچی پس از پایان نمایش، بیش از آن‌که تحت تأثیر جنبه‌های بصری و ظاهری نمایش قرار گیرد، محتوای مورد نظر آن‌را دریافت کند، به‌همین دلیل جهت تأثیرگذاری بیشتر، پیام نمایش باید غیرمستقیم و نامرئی باشد و شکل موعظه‌ی مستقیم به خود نگیرد.

از سوی دیگر همواره باید واکنش و جهت‌گیری مخاطب نسبت به نمایش را مورد ارزیابی و سنجش قرار داد و نسبت به صحت بازدیدی و سلامت تأثیرگذاری آن اطمینان حاصل کرد. چه‌بسا تماشاگران یک نمایش، برداشتی کاملاً مغایر با هدف و پیام نویسنده و کارگردان داشته باشند.

درباره‌ی زبان نمایش هم باید توجه داشت که وقتی هدف نمایش، القا و انتقال یک پیام آموزشی و تربیتی به‌خصوص در حوزه‌های دینی و اعتقادی باشد، باید از زبانی استفاده کرد که ویژگی وضوح و تبیین درست موضوع را داشته باشد؛ نه‌آن‌که گیج‌کننده و مبهم بوده، و از نامدها و سجع‌های دور از ذهن و فضاهای ناآشنا و بیگانه با فرهنگ مردم در آن استفاده شود. بنابراین، برای قشرهای مختلف، نمایش‌هایی متفاوت لازم است که متناسب با درک و پس‌زمینه‌ی ذهنی مخاطبان باشد.

از سوی دیگر، از آن‌جا که کودکان همواره کنجکاونه به محیط اطراف می‌نگرند و با توجه و دقت خاص، رفتارهای کلامی و غیرکلامی دیگران - به‌خصوص پدر و مادر و دوستان خود - را در شرایط و موقعیت‌های مختلف مشاهده می‌کنند و از آن‌ها سرمشق می‌گیرند، در فرایند شکل‌گیری شخصیت کودکان، بیش‌ترین نقش بر عهده‌ی الگوهای رفتاری است، چرا که یادگیری، اساس رفتار آدمی را تشکیل می‌دهد. یادگیری‌های غیرمستقیم، ضمنی یا مشاهده‌ای، پایدارترین و مؤثرترین یادگیری‌ها محسوب می‌شوند. به‌ویژه در دوران پیش از دبستان، به دلیل تمایل فراوان کودکان به تقلید، اهمیت این روش‌ها مضاعف می‌شود.

در واقع خمیرمایه‌ی شخصیت کودکان در کانون خانواده شکل می‌گیرد و تقلید از رفتار والدین و دیگر اعضای خانواده از بارزترین ویژگی‌های سنین پیش دبستانی است. هر قدر الگوهای رفتاری در نظر کودکان از شخصیت محبوب‌تری برخوردار باشند، رفتارهای کلامی و غیرکلامی آن‌ها بیشتر مورد توجه کودکان قرار می‌گیرند. [افروز، ۱۳۷۲] به‌عبارت دیگر، همه‌ی آموخته‌ها، عادت‌ها، رفتارها و منش‌های ما ناشی از محیط است و در اثر وجود سرمشق‌ها، یادگیری‌های مستقیم و غیرمستقیم پدید می‌آیند. اما آنچه در ادامه‌ی فرایند رشد شخصیت کودکان و تأثیرپذیری آن‌ها از الگوهای رفتاری بسیار حساس است، هماهنگی، همانندی و همراهی الگوها در رشد شخصیت و تثبیت معیارهای اخلاقی هنگام ورود کودک به جامعه می‌باشد.

در این راستا، هنر نمایش از آن‌جا که مدام با ارائه‌ی الگوهای عینی و ملموس سروکار دارد، می‌تواند از اهمیت بیش‌تری برخوردار باشد. بنابراین کافی است شخصیت‌های مطرح شده در نمایش، خودشان الگوی عملی تربیت دینی باشند تا بتوانند آموزه‌های رفتاری مناسبی به کودکان ارائه دهند. چنین الگوهایی، به‌دلیل آن‌که از طریق فرایند مؤثر و مورد علاقه کودکان، یعنی نمایش عرضه می‌گردند، چنان‌چه حتی هیچ عمده‌ی رفتارشان نداشته باشند و فارغ از هر گونه غلو و بزرگ‌نمایی عمل کنند، رفتار، کردار و گفتار آن‌ها خودبه‌خود بهترین وسیله برای تربیت دینی کودکان خواهد بود.

منابع و ارجاعات

- ۱- اسپراک، برنارد. (۱۳۶۹). آموزش در دوران کودکی. ترجمه: محمدحسین نظری‌ژاد. مشهد: انتشارات آستان قدس رضوی.
- ۲- افروز، غلامعلی. (۱۳۷۲). روان‌شناسی و تربیت کودکان و نوجوانان. تهران: انتشارات انجمن اولیا و مربیان جمهوری اسلامی ایران.
- ۳- امینی، رحمت. (۱۳۸۵). هنر و علم تربیت. روزنامه رسالت: شماره ۷۴ و ۶.
- ۴- توکلی، فهیمه. (۱۳۸۷). تعلیم و تربیت دینی دانش آموزان. روزنامه ایران: شماره ۴۳۱.
- ۵- جعفری، زهرا (۱۳۸۶). نقش هنر در تعلیم و تربیت. www.rahenejadaily.com
- ۶- حقیقت‌دوست، زهرا. تأثیر آموزش هنر بر رشد ادراک دیداری دانش آموزان عقب مانده ذهنی خفیف شهر تهران / پایان‌نامه کارشناسی ارشد / دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی دانشگاه علامه طباطبایی.
- ۷- سادات، محمدعلی. (۱۳۷۶). راهنمای پران و مادران / جلد اول / شیوه‌های برخورد با نوجوان. تهران: چاپ و نشر فرهنگ اسلامی.
- ۸- سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی. (۱۳۶۵). روش و محتوای آموزش در مراکز آموزشی قبل از دبستان. تهران: شرکت چاپ و نشر ایران.
- ۹- شاکری‌نیا، ایرج. نقش خانواده و نهادهای اجتماعی در تربیت فرزندانش. پارسینو. parvin.blog.com
- ۱۰- شریف‌زاده. (۱۳۸۶). آموزش دین در فاصله از پرورش دینی. فصلنامه علوم انسانی: شماره ۴۲.
- ۱۱- فرهادیان، رضا. (۱۳۷۶). پایه‌های اساسی ساختار شخصیت انسان در تعلیم و تربیت. قم: مؤسسه فرهنگی- تربیتی توحید.
- ۱۲- کاردارن، علی‌محمد و همکاران. (۱۳۷۲). فلسفه تعلیم و تربیت (جلد یک). تهران: انتشارات سمت.
- ۱۳- میرزاییگی، علی. (۱۳۷۳). نقش هنر در آموزش و پرورش و بهداشت روانی کودکان. تهران: انتشارات مدرسه.
- ۱۴- واضحی آشتیانی، امید. (۱۳۸۶). نقش هنر بر دین. نشریه بیناب.

نگاهی به نمایش «اسب، سیب، بهار»

نمایشنامه از روند قصه ای خلاق و پویا بهره می برد. در واقع توان با استفاده از قدرت تخیل کودکان در نمایش فوق بهره کافی و لازم را بُرد. نویسنده ی نمایشنامه، تمامی سعی خود را کند تا با طرح دختری که به دنبال ستاره هایی که در آسمان شمرده، داستان را به پیش ببرد... اما نمی دانیم که کدام مسیر ی در نمایشنامه، مهم و خط اصلی داستان است. از همه مهم تر، دانیم که دختر چرا با تخیلات و تنهایی خود حرف می زند. می تی به این نکته خوب واقف باشیم که درام یک گفتگوی دو نفره ، که موقعیت برقراری ارتباط را از طریق کلام (دیالوگ) ایجاد نند. اما بزرگ ترین لطمه ای که در نمایشنامه ی «اسب، سیب، بهار» به متن وارد می شود، از همان مونولوگ بودن کار شروع می . ارتباط دختر با فضایی ماورائی و ذهنی، که به صورت تک ی بیان می شود، به مخاطب منتقل می شود، اما در این راه ن عمل می کند. به راستی دختر تمامی این کلمات آغازین ی را برای چه کسی می گوید؟ طبق تمامی آثار به نگارش در ی تئاتر کودک، می توان آینده ی داستان را پیش بینی کرد و ی داستان با شخصیت ها همسو نبود. چرا که ذهن کودک در

بیان مفاهیم کودکانه، به قدری پیچیده و خلاق است، که احتیاجی نیست همه چیز را از ابتدا برای آشنایی او با جریان نمایش مطرح کرد، تا انتها به همین منوال به پیش رفت.

اما نکات بارز و شاخص نمایش فوق، شیوه ی طراحی صحنه ی کاربردی و خلاقانه اش می باشد، که تمامی سعی و تلاش را در ارائه ی کاری پویا و بدیع به کار می بُرد. اگر نمایش با مخاطب می تواند ارتباط نزدیک و صمیمی برقرار کند، به بهانه ی ایجاد فضایی جدید و خلاقانه می باشد.

به میان آمدن برخی از کاراکترهای ذهنی، که در تخیل دختر تا حدودی روایت نمایش راه از خطی بودن و یکنواختی نجات می دهد و باعث خلق فضایی جدید تر می شود. که در این راستا باید از بازیگر مرد (سرباز) به خوبی یاد کرد، که توانسته است در ارائه ی نقش به خوبی عمل کند.

دیگر نکته ای که می بایستی به خوبی از آن یاد کرد، طراحی خوب و دقیق نور پردازی می باشد که به عنوان یک کاراکتر وارد داستان شده، به خوبی تا انتها وظیفه اش را انجام می دهد.

نمایش «قطرات کوچک»

نویسنده: کار گروهی
کارگردان: گوگلیلمو پایا

نمایش قطرات باران به خوبی از تمامی ابزار و امکانات صحنه استفاده می کند، تا در ایجاد ارتباطی موثر و آموزنده، جزء آثار برتر و شاخص مطرح گردد. مسئله ای که در آثار بین الملل به خوبی می توان از آن یاد کرد، برقراری ارتباط پیش از ورود مخاطب به صحنه ی نمایش است، که با تیزهوشی و خلاقیت های کارگردان، تمامی اهداف گروه اجرایی از همان ابتدا، به مخاطب انتقال داده می شود. بازیگر مرد نمایش، قبل از شروع کار با تک ساز بادی که در دست دارد از مخاطبین کودک می خواهد، چشم ها و گوش هایشان را باز کنند اما لهمایشان بسته باشد. همین ایده ی به ظاهر ساده و سطحی می تواند تاثیر عمیق و شگرفی بر مخاطب بگذارد، حتی می تواند تلنگری هم به مخاطب بزرگسال زند.

از همان ابتدا، مشارکت کودکان را می توان در کار دید، که وظیفه ای بر دوششان نهاده شده است. وظیفه ای کوچک برای ما، اما مهم برای کودکان. که آن چیزی نیست جز خوب دیدن و گوش کردن و حرف زدن.

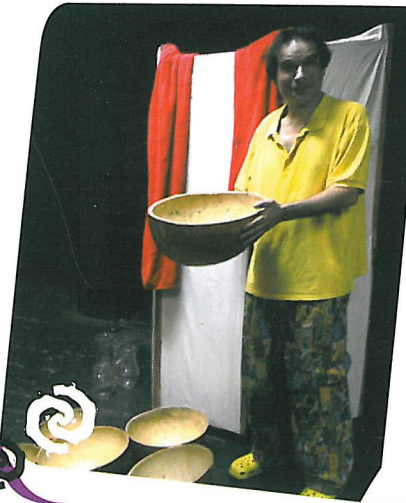
کلیت کار بر عهده ی دو بازیگر خلاق و توانمند می باشد، که با بازی های روان و یکدست خود مفاهیمی را به کودکان انتقال می دهند. ساخت تصاویری جذاب و دیدنی توسط دو بازیگر، یکی دیگر از نکات مهم در این نمایش است. مخاطب در ابتدا با فضایی ساده و تخت دیگر از نکات مهم در این ابزار و آکسسوار محدودی را در صحنه می بیند. کارگردان با شناخت دقیق و موشکافانه ای که از صحنه و طراحی های متنوع و خلاقانه دارد، دو بازیگر خود را با چیدمان بصری و جذاب مواجه می سازد و به ادامه ی مسیر خود می پردازد. می توان چنین بیان کرد که موثرترین قسمت کار، صحنه ی ارتباط بازیگران با بچه ها است، که قطرات آب را به دست آنان سپرده و از بچه ها می خواهند که آن قطرات را به مملکت خود ببرند. در این بازی دو سوبه، که بچه ها برای کمک به بازیگران به داخل صحنه کشیده می شوند، برای برقراری توازن اولیه ی کار، که در شروع نمایش هم انجام شده بود، اینک به شکل منسجم تری به اتمام می رسد.

مسئله ای که ذهن مخاطب را تا انتها درگیر خود می کند، عدم روایتی دراماتیک و نمایشی است که به ظاهر، نمایش بر اساس موقعیت های بداهه و کارگاهی پیش می رود. شاید افزودن و گسترش از صحنه های خلاق و نمایشی در کار، لطمه ای به اثر نزند. در صورتی که، نمایشنامه ای ماندگار و ماناست، که نتوان کوچک ترین قسمتی از آن را حذف و یا به آن افزود. مخاطب هنوز ارتباط دو بازیگر با هم را نمی داند. نمی داند دغدغه ی اصلی شخصیت ها چیست، که به دنبال حل آن می بایستی تلاششان را انجام دهند. هر چند نگاه خلاقانه و جذاب در اجرا می تواند مخاطب را تا انتها همسو سازد، اما این نکته را باید بدانیم که پیش از اجرای نمایش، نمایشنامه است که خط اصلی اجرا را مشخص می کند. تنها بر اساس یک ایده ی کلی و یک خطی نمی توان نمایش را پیش برد. در صورتی که بن اندیشه ی کلی کار، توان و قدرت انتقال متنی دراماتیک را داشت، که بتوان با ایجاد لحظات ناب نمایشی، شخصیت ها را در موقعیت های بحرانی و حساس قرار داد.

با دیدن نمایش فوق، می توان برداشت کرد که با داشتن بازیگرانی خلاق و توانمند، بی هیچ ابزار و دکور عظیمی می توان حرف های بزرگی را به مخاطب انتقال داد. استفاده ی دراماتیک و خلاقانه از موسیقی توسط بازیگر، به خوبی توسط بازیگرها به اجرا درمی آید. حتی سکوتی که ابتدای نمایش با بازی خوب بازیگرها انجام می شود، قسمتی از موسیقی است که کارگردان به خواسته ی خود توانسته است، با شناختی که از ادوات موسیقی دارد، این حس های مختلف موسیقایی را به اجرا در آورد.

باری دیگر به گروه اجرایی جهت اجرای خلاق و توانمند تبریک گفته، و امید که گروه های نمایشی دیگر بتوانند با استفاده از توانمندی های صحنه، در به وجود آوردن و خلق لحظه های ناب نمایشی موفق و پیروز باشند.

نیما بیگلریان کارشناس ارزش ادبیات نمایشی عضو کانون خانه ی تئاتر ایران



نمایش «دختر باغ های قالی»

طراحی فضای ساخته شده، و نوع روایت قصه که باز هم در نوع خود، ستودنی و قابل توجه است. چرا که اهمیت به موضوع ایرانی و پرداختن به شیوه ها و گونه های نمایش ایرانی، در اجرای این اثر به زیبایی قابل دیدن است. حتی در انتخاب دستگاه های موسیقی اصیل ایرانی، برای این کار می توان این زیبایی را مشاهده کرد.

ظرافت و زیبایی کار عروسک گردانان، و دقت کارگردان در ایجاد فضایی متنوع و کارآمد، از ویژگی های مثبت نمایش است. مسئله ای که در کارگردانی مطرح می شود این است که؛ چه ویژگی هایی در اجرای زنده ی تئاتر کودک باید باشد، تا کارگردان تصمیم به پلای بک کردن صداهای بازیگران کند؟ چرا که با روبند باز عروسک گردانان، تمرکز مخاطب با اثر قطع می شود، و بعضی اوقات مخاطب نمی داند کدام کاراکتر صحبت می کند. در اجرای نمایش زنده، بهتر است عروسک گردانان به عنوان شخصیت های شناخته شده و تثبیت شده عمل کنند، تا این که منفعل و جدای از کار به نظر رسند. چنین اجراهایی بیشتر برای تلویزیون و تصویر مناسب است، تا صحنه. بهتر بود نمایش در پلاتوی کوچکتیری به اجرا در می آمد، تا سالن بزرگ و قاب عکسی؛ تنها به دلیل ایجاد ارتباط نزدیک با مخاطب.

رن امروز، بی شک یکی از فضاهایی که مخاطب کودک را می تواند به دنبایی ماوراء ، دنبایی تئاتر عروسکی است. دنبایی که در آثار زنده و با حضور بازیگر، هر قدر سعی در آشپیم، با سختی و عدم امکانات لازم روبرو می شویم. اما تئاتر عروسکی، این امکان را ، چه را که در ذهن و تخیل ما شکل گرفته است، به سادگی به مخاطب انتقال دهیم. بهر سیم، که آیا در جشنواره ی تئاتر کودک و نوجوان، نمایش عروسکی صرف، می د؟ زیرا می دانیم که برای ارائه ی این گونه آثار جشنواره ی تخصصی تئاتر عروسکی ی گردد.

برای حضور در جشنواره که بگذریم، بد نیست اشاره ای داشته باشیم به زیبایی



نگاهی به نمایش «سیب هفتم»



با گم شدن هفت عدد سیب در تاریکی شب، قهرمان نمایش وارد تخیلات کودکی خود می‌شود، تا قبل از آمدن مادرش، سیب‌ها را بیابد و آن‌ها را بر سفره‌ی هفت سین بچیند. در جستجوی ذهنی کودک، افراد متعددی ظاهر می‌شوند تا به او در یافتن سیب‌ها کمک کنند. این قصه می‌تواند مخاطبان کودک و نوجوان را درگیر پیچیدگی متن نمایش «سیب هفتم» نوشته‌ی آقای «ناصر مودودی» کند، که به نوبه‌ی خود از نکات مثبت نمایشنامه است. خلق فضاهای گوناگون در طول روایت قصه، نظیر ورود سیاه و انسان غارنشین و شاهان بت پرست و دن کیشوت، در جهت یافتن سیب‌ها و درگیری میان آن‌ها، و تضاد عقاید و افکار شخصیت‌ها، عواملی هستند که در صحنه، تنش و هیجان ایجاد شود، و بینندگان کودک را با قصه‌ی نمایش همراه کند. شخصیت‌هایی که در مسیر پسر قرار می‌گیرند، گاه به جای کمک کردن، موانعی ایجاد می‌کنند که نه تنها به یافتن سیب منجر نمی‌شود، بلکه مشکلات دیگری را به وجود می‌آورد. در میان کسانی که در تخیلات قهرمان داستان حضور پیدا می‌کنند، سختی دیده نمی‌شود. تنها دن کیشوت است که می‌تواند بنا به خصلت کمک‌رسانی به دیگران، تاثیر گذار باشد. حال تا چه اندازه کودکان با شخصیت دن کیشوت آشنایی دارند، خود مسئله‌ی دیگری است. احساس می‌شود که متن نمایش در گروه سنی کودک و نوجوان، نتوانسته مخاطب خود را انتخاب کند. آیا این نمایش برای کودکان است یا نوجوانان؟ زیرا که شرایط سنی مخاطبان تئاتر کودک و نوجوان به لحاظ پرداختن به مضامین و تم نمایشنامه، متفاوت است. در این اجرا، فرزند لپاسی کوشیده است که صحنه را با رنگ و نور و دکور و وسایل صحنه، برای کودکان دیدنی کند. وجود صحنه‌های متعدد و تغییر فضای صحنه، با حجم سنگین دکور طراحی شده، برای تماشاگران کودک و نوجوان، منظره‌ی زیبایی را به وجود می‌آورد. گروه اجرایی علی‌رغم سختی کار، به خوبی از پس این تغییرات صحنه‌ای برمی‌آید. آنچه تاحدودی می‌تواند به کلیت نمایش آسیب برساند، بخشی از بازی بازیگران است، که فاقد قدرت شخصیت‌سازی هستند و از بیان مناسبی هم برخوردار نیستند. و در ارائه‌ی بازی‌های مقبول، کمی کوتاهی کرده‌اند. شاید فاصله‌ی کوتاهی زمان اعلام متن‌های منتخب و پروسه‌ی تمرین‌ها، این مشکل را ایجاد کرده باشد. در هر صورت، نمایش سیب هفتم در ارتباط با انتقال مفاهیم متن یا کودکان و نوجوانان، از موفقیت نسبی بهره‌ی می‌برد. با آرزوی موفقیت برای گروه اجرایی نمایش سیب هفتم.

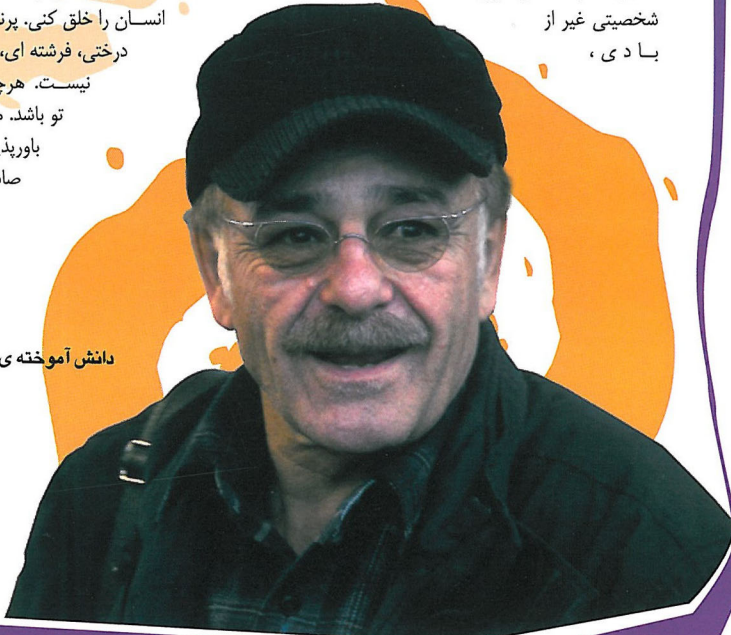
مسئله این است...



بودن

یا نبودن؟ کودک بودن یا نبودن؟ در دل ماندن یا نماندن؟ زاییده شدن یا نشدن؟ به دنیا آمدن یا نیامدن؟ مسئله این است... به دنیا آمدن در پایان زمستانی سرد، در سال ۱۳۲۴ خورشیدی. در شبی که ماه به میهمانی خورشید رفته بود. در اتاقی کوچک، زیر نور چراغ گِردسوز؛ با فریادهای مادری از سر درد، و گریه‌های نوزادی که به دنیا می‌آمد، با تردید... به قولی، خانه مان قد یک غریب بود و درختی در باغچه اش روییده بود قد یک چوب کبریت. حوض بسیار کوچکی داشتیم که آبی آب اش سبزگونه بود، با ماهیان سرخ و سفید و سیاه، که جایی برای پنهان شدن نداشتند. و صبوری می‌کردند، تا که زمان بگذرد و گل و لای و لجن، نقش ببندد بر کف حوض، تا مخفیگاهی شود برای ماهیان غریبان، تا که شاید، قدری از چشمان زانغ گربه‌های شکمبار در امان بمانند. آری، ماندیم در این دنیا، بی ضرب و زور و اکسن و سه گانه و هر آن چه در حیات مدرن این روزهاست. نام رضا شد و کم کم با گرفتن، راضی بودم از بودنم. چرا که سرنوشتم، بودن بود، و درآمد از آب و گل، کودکی شدم ریزه میزه، که بزرگان درباره ام می‌گفتند: «فل فل نبین چه ریزه / بشکن ببین چه تیزه»... اما سرنوشت، آن چه را که می‌خواست، همچون دیگر آدمیان برایم رقم زد؛ هنرمندی شدم بر صحنه‌های نمایش، یکی از همان خیلی‌های شیفته‌ی عشق ام؛ تئاتر. به واقع، از دهه‌ی ۵۰ خورشیدی بود، که فعال حرفه‌ای صحنه‌های تئاتر شدم و بعدها در سال ۱۳۵۶، با «چریکه‌ی تارا» به بهرام بیضایی، جهان سینما را هم، افزودم به خیل تجربیاتم. سال‌های پُر فراز و نشیب زیادی بر من گذشت، و در این سالیان، چه در مقام نویسنده و کارگردان، و چه در کسوت بازیگر، آثاری از قبیل: دیوانگان متفکر، گاوصندوق، دعوت، به رنگ ارغوان، شوریده، کودکانی از آب و گل، گربه‌ی آوازخوان و... را تجربه کردم. و در خلال این همه کار و سال دریافت‌ها؛ هنر مرزی ندارد. بی‌کران است، و هنر نمایش دریایی است با عمق و وسعت بسیار. بازیگری، آفرینش لحظات گوناگون شخصیت‌های نمایش است. لحظات گوناگون زندگی. به راستی که خلق شخصیت‌های گوناگون چقدر شیرین و دلپذیر است؛ اما بسیار دشوار. رنج باید برد و شکیبایی باید کرد. چه احساس زیبایی داری وقتی کاراکتری را به نمایش می‌گذاری با همه‌ی ابعادش. بازیگری در تئاتر و خلق شخصیت‌های نمایش، دیگر جای خود را دارد. وقتی با تماشاگران رو به رو و هم نفس می‌شوی، دیگر خودت نیستی؛ یکی از آدم‌های زندگی نمایشی. حالا، با دیگر آدم‌های قصه زندگی می‌کنی. تماشاگر با توست. شریک غم و شادی توست. با تو عاشقانه زندگی می‌کند، رنج می‌برد. همراه با تویی بازیگر خشمگین می‌شود، و با پیروزی تو احساس شادی می‌کند. مهم نیست چه نقشی را بازی می‌کنی، نقش انسان امروز شخصیتی غیر از

باید،
شخصیتی غیر از
انسان را خلق کنی. پرنده‌ای باشی در قصه‌ی ابری،
درختی، فرشته‌ای، نان و باران و چشمه‌ای... مهم نیست. هر چیزی می‌تواند شخصیت نمایش باشد. مهم این است که کاراکترت را باورپذیر کنی، با خودت و تماشاگر صادق باشی.



رضا بابک

دانش‌آموخته‌ی رشته‌ی بازیگری و کارگردانی

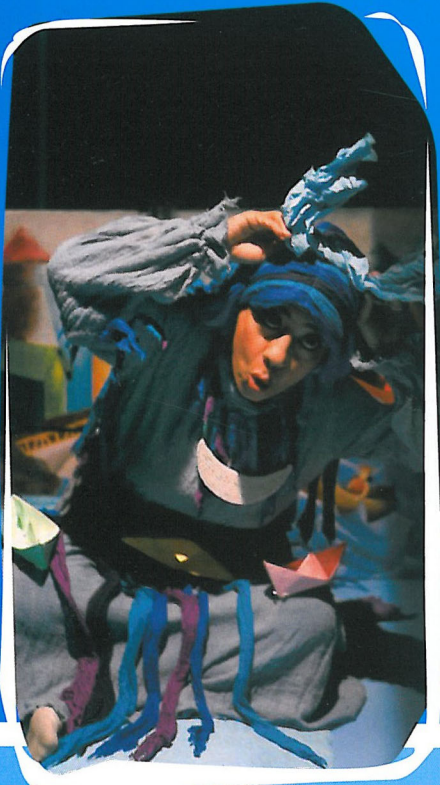
شنبه ۱۷ آبان



هجدهمین جشنواره بین‌المللی تئاتر کودک و نوجوان همدان

۱۳۹۰ آبان ماه ۱۷

<p>نمایش خیابانی</p> <p>۱۱ - مسعود بهمنی (تهران)</p> <p>۱۲ - مسعود بهمنی (تهران)</p>	<p>سینما کانون</p> <p>۱۳ - سینما کانون (تهران)</p> <p>۱۴ - سینما کانون (تهران)</p> <p>۱۵ - سینما کانون (تهران)</p> <p>۱۶ - سینما کانون (تهران)</p> <p>۱۷ - سینما کانون (تهران)</p>	<p>تالار فجر</p> <p>۱۸ - حسین و دیوفا</p> <p>۱۹ - محمد حسین ناصر بافت</p> <p>۲۰ - مجید گیمایی (اصفهان)</p> <p>۲۱ - مجید گیمایی (اصفهان)</p>	<p>مجموع فرهنگی سینمایی</p> <p>شهادت آوینی</p> <p>۲۲ - نوازنده‌ای که به راه می‌نواخت</p> <p>۲۳ - مجید پور اوز</p> <p>۲۴ - حسین خروانی (تهران)</p> <p>۲۵ - دلایه</p>	<p>کانون مهدیه</p> <p>۲۶ - پروینلا</p> <p>۲۷ - ن و ک : گلباران (تهران)</p> <p>۲۸ - گلباران (تهران)</p> <p>۲۹ - گلباران (تهران)</p>	<p>مجموع فرهنگی هنری</p> <p>بو علی سباز (سازمان اسفند)</p> <p>۳۰ - بو علی سباز (سازمان اسفند)</p> <p>۳۱ - بو علی سباز (سازمان اسفند)</p> <p>۳۲ - بو علی سباز (سازمان اسفند)</p>	<p>مجموع فرهنگی هنری</p> <p>بو علی سباز (سازمان اسفند)</p> <p>۳۳ - بو علی سباز (سازمان اسفند)</p> <p>۳۴ - بو علی سباز (سازمان اسفند)</p> <p>۳۵ - بو علی سباز (سازمان اسفند)</p>
--	--	---	---	--	---	---



The Musician Who Plays the Moon

Playwright: Majid Bur Bur
Director: Hussein Cheraghi
Planner and Stage Director: Hussein Cheraghi
Actors and Puppeteer: Majid Bur Bur, Behnaz Mahdikhah, Maryam Moeni
Costume Designer: Maryam Moeni,
Stage Designer: Hussein Cheraghi
Puppet Designer: zahra Roudaki
Director's Assistant: Rana Atighi Moghadam
Puppet Fabrication: Fatemeh Abasi, Somayeh Sadegh Pour, Elham Zambouri, Zahra Roudaki, Haleh Moadabian
Music Composer: Amir Pour Khalaji
Singer: Hadiyeh Moadabian
Photographer: Amirali Atighi Moghadam
Synopsis: it is the story of a poor musician who likes to play for the reflection of the moon in the river. One night when he was playing, the king of sea invited him to the sea and...



The Traditional Theater of Neapolitan Puppets



“Pulcinella” is a traditional theater of Neapolitan Puppets.
 Gaspare Nasuto has represented “Pulcinella” to 18th International Theater Festival for Children & Young Adults.
 Gaspare Nasuto is one of the most important authors and players of Pulcinella's mask in the world.
 Gaspare Nasuto starts his activity in 1989 as the puppeteer and the sculptor. He is considered as one of the Masters of Neapolitan puppet tradition, a true tipping point for whoever wants to approach the secrets of the Neapolitan “Guarattelle”.
 Neapolitan “Guarattelle” are an ancient kind of puppet used as a glove created in Naples around the 16th century.
 The peculiarity of the show is the voice of Pulcinella obtained with the “PIVETTA”, an instrument hold by the puppeteer under his palate during the show.
 Moreover, a striking and exclusive technique of movements of the puppets and a performing power give a strong modernity to the show.

THE MAD ADVENTURES OF BARON VON MUNCHHAUSEN!

“The Mad Adventures of Baron Von Munchhausen!” is a dramatic theater that performed on the first day of festival and attracted many audiences.

This performance joins us on a fantastic journey into the magical world of the Baron.

A Norwegian man named “Niels Peter Underland” has been represented it to 18th international theater festival for children & young adults.

Mr. Niels Peter Underland is a Norwegian theatre director. Underland trained at Ecole Jaques Lecoq in Paris, France and established “Teater Joker” in 1991.

He has been the Artistic Director since then, and has directed or acted in all of Teater Joker's shows.

Mr. Underland is a lecturer at Oslo University College at the faculty of Art, Design and Drama.

“Teater Joker” is a Norwegian theatre company that has been making theatre for children and teenagers for over 20 years, and has become widely known for writing new plays, or dramatizing books or fables for this age group.

All of Teater Joker's shows have toured extensively in Norway, and have been invited to international festivals.

Synopsis of Performance:

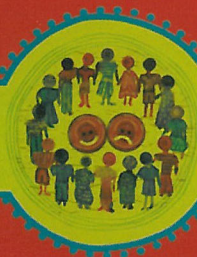
“Baron Von Munchhausen” is a great storyteller and adventurer. He's also a bit of a braggart. Among his feats are pulling himself up from a swamp by his own hair, chasing off 400 hungry wolves, and escaping war by jumping onto a flying cannonball.

The Baron travels to the moon, Russia, Turkey, and always by incredible means.

By the way, “Baron von Munchhausen” really existed.

He was a German aristocrat and teller of anecdotes, and his incredible tales are among the great literary classics.

Tuesday 8 nov



18th International Theater Festival For Children & Young Adults

Hamadan / 6-11 Nov 2011

Bu-All Sina cultural Complex (main saloon)	Bu-All Sina cultural Complex (Auditorium Next)	Kanoon-e Mahdiah	Shahid Avini cultural Complex	Fajr Saloon	Kanoon Cinema	Street Performance
17:30 16:30 10	17:30 16:30 10	17:30 15:30 10	17:30 15:30 10	17:30 15:30 10	Kanoon Cinema 10-13 Kanoon Cinema 15-17 Kanoon Cinema 22-23	17:30 15:30 10
A lot of Giants W & D: Mojtaba Mahdi (Tehran) 45 min	The Wonderful Trio W: Soren Ovesen D: Johnny Sorensen (Denmark) 50 min	Pulcinella W & D: Gaspare Nasuto (Napoli Italy) 45 min	A musician who played the Moon W: Majid Bur Bur D: Hossein Cheraqi (Tehran) 45 min	Hassani and Dyhya W: Mohammad Hossein Naserbakht D: Majid Kimiane Por (Isfahan) 50 min	Workshop (Storytelling) Mrs. Denton (France) Script Reading: Jibba & Crown 40 min Clair and animal. At one D Akram Akbarzadeh (Tehran) Meeting about activities of The Arabesque with Mrs. Sanjideh Hassan Zadeh (Iran)	the Ground don't have a good feel W & D: Mahmoud Farhang (Tehran) 45 min

The Theater is the Arena of New and Creative Ideas



Ali Akbar Famil Karimi mentioned: the reason of the successful holding of the theater festival is the special look of the people of Hamedan city to the children's theater festival.

He added: according to the impact and effect of the international theatre festival for children and young adults, it can be a phenomenon of cultural evolution. So these types of issues are in relation to the people, especially the children and young adults, it leads to create the social and cultural vitality of the community.

He also added: The people of Hamedan city have a special look to the children's theater festival, and it is the reason of the successful holding of the theater festival for children and young adults.

☞ The first question of you as the festival secretary, is that, why festival? Is there any necessity of holding the theater festival for children and young adults?

The festivals always have the positive effects. It provided the situations that the groups of theater family gather together and hold their own celebration. But, maybe it is better to start your discussion of the importance of theater itself. Nowadays the theater is known as a science. The science has penetrated in all parts of people living and its role and its impact is evident and clear among the public, and all of people realize its importance.

It is natural that this constructive and important art, in the field of the theater for children and young adults, plays the more prominent role and can have a great impact, an Educational role, on the future of a generation. In addition to the entertainment aspect and the audience's attraction, it also helps in shaping the character of children, and subsequently, it affects the culture of the society that these children make its future.

☞ With these words, you believe that children's theater festival has a direct impact on this process?

Certainly it is. Our festival, is not just an opportunity for representing the active groups in this field, but also it could help to grow and develop children's theater. Even it can play an important role in the training of artists who are active in this field, and it has introduced our best theaters during the year. This means that it caused the family of children's theater be more unity, and have more interaction with internal and external groups and artists.

☞ Is there any argument to prove your claim?

Yes. You can refer to the history of children's theater and see its effect by documentary. If you research, you will see that for some years that the theater festival for children and young adults was closed, it had a bad impact on our theatrical family. For several years, we actually saw the recession and weakness in this area! And if you refer to the documents, histories and memories of artists, you will see that in five years that the festival was held, how it has affected on this type of display.

☞ After these descriptions, we could say that the theater festivals for children and young adults are the parts of the major demands of the theater family?

Do not doubt! This festival, like many other theater festivals around the world, is a thematic festival that could find its place in the theater family. So the theater family has a right request; holding the festival at regular intervals. And now our duty is heavier than before.

☞ So we conclude that the theater family and theater festival for children are interdependent. Is that true?

Otherwise is not at all. Incidentally, this issue should be

the subject of our discussion. Such claim has a direct impact on the method the festival held. This method should be appropriate with the demands, and the dignity of children's theater family.

☞ With these descriptions, what are the features of Hamadan city to be as a good place for holding theater festival?

Well, do not forget that the theater festival for children and young adults had emerged in Hamadan city. The founders of the festival were the artists of this city. The nine initial periods of festival has been held here. And essentially, it is not exaggeration that the theater for children and young adults began to spread to other cities from Hamadan city.

However, some of people don't notice the value of festival and it had been away from its home for a while! On the other hand, Hamedan city has a very good background in holding different national and international festivals, For instance, the successful holding of four period of children's film festival.

Aside from the nine initial periods, the successful holding 17th theater festival proved that Hamadan city has a high potential. In this selection, these reasons have not been without effect.

☞ As you say, could it be the reason that the festival stay in Hamadan city forever?

Why not? But definitely we need to do necessary plans in this field and provide its context. At that time, we expected that this festival become an identity for the city of Hamadan, and vice versa.

☞ And did this context provide? Is there any hope with the existent situation?

Note that the most important theater festivals in the world, such as Avignon and Edinburgh, are held in small towns outside the capital of their countries. This city can also be the origin of children's theater in Iran; as the street theater festival of Marivan city that has become an identity for this city. This identity must also be formed in the city of Hamadan.

In the meantime, we obviously need an intelligent plan and design. Let me tell you that we should move to the side that the children's theater festival forms as the identity of Hamadan city. Of course, I emphasize that it must be done away from any hasty and emotional decisions, so that the foundations built correctly. If this happens, I have no doubt that all staff and secretariat of the festival will be move to Hamadan.



صاحب امتیاز: دبیرخانه جشنواره بین المللی تئاتر کودک و نوجوان
مدیر مسئول: شهرام کریمی
سرمدبیر: مجید فروتن
مدیر اجرایی و دبیر تحریریه: سید محمدرضا جوادی
تحریریه: نیما بیگلریان، شهرام بزرگی، فواد ابراهیمیان
آزاده سادات حسینی صدق، اعظم ولیان
بخش بین المللی: مهسا شبیری
ویراستار: میرهاشم میری
عکس: پیمان بختیاری - امید فقیه
مدیر هنری و صفحه آرا: حمید رجایی
تایپ: مهشید مرادی
چاپ: یوسف
با تشکر از آقایان مهدی عالیفر و رضا شفیعی

Owned:
secretariat of International Theater Festival for Children and Young Adults
Managing director: Shahram Karami
Chief clerk: Majid Forotan
Editorial secretary & Executive director: Seyed Mohammad Reza Javadi
Editorial members: Nima Biglarian, Shahrām bozorgi, Favād Ebrahimi, Azade Sadat Hosseini, Azam Valian
International section: Mahsa Shobeiri
Editor: Mir Hashem Miri
Photo: Peiman Bakhtiari, Amir Faghie
Graphic & Artistic director: Hamid Rejaee
Type: Mahshid Moradi
Publication: «Yoosof»

Tuesday 8 Nov 2011 2nd Number

Shahram Karami:
We Should Provide the Situations for Staying the Theater Festival for Children and Young Adults in Hamedan

